

# حزب توده لاشه متعفن

(ماهیت پوشیده و رونیونستهای  
حزب توده را بشناسیم)

حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

www.iran-archive.com

۱۵ دیال

ما هیت پوسیده رویونیستهای حزب توده را بشناسیم  
بورژوازی و ارتجاع، بخصوص وقتی در قدرت هستند، امکانات وسیعی  
برای حفظ وادامه بساط استثمار خود را اختیار دارند و مسلم است که از این  
امکانات به نهایت بهره میگیرند. یکی از این امکانات، دست زدن به  
فرمها و یا نوعی تن دادن به خواستهای مردم است. واضح است که این  
عقب نشینیها فقط و فقط در اثر مبارزات بیامان تودهها و در مقابل تهدید  
رشد روزافزون جنبش انقلابی و برچیده شدن بساط استثمار، به حکومت  
استثمارگران تحمیل میگردد. ولی آیا این عقب نشینیها بدان معنی  
است که ما هیت بورژوازی و ارتجاع چنان قابل تغییر است که از نیروئی  
استثمارگر و سرکوب کننده، نیروئی ضد خلقی و ضد انقلابی، به نیروئی در  
خدمت خلق، انقلابی، دموکرات و استثمار رزدا تبدیل گردد؟ واضح است  
که نه! بعنوان مثال میتوان از اصلاحات شاه، بفرمان امپریالیسم  
آمریکا که کمیته مرکزی خائن حزب توده، همواره آنها را "جنبه های مثبت  
عینی" حکومت سیاه محمد رضا شاهی نامیده ولی کوشید مردم و نیروهای انقلابی  
را به حمایت از آن وادارد، نام برد. این "اصلاحات"، برکسی پوشیده  
نیست، که یک عقب نشینی نیم بند در مقابل جنبش انقلابی رو به رشد مردم  
و بمنظور تحکیم بساط چپاول وطن ما صورت گرفت. مفتضح ترین عقب  
نشینیهای دیگر حکومت سیاه پهلوی، عبارتند از: مضحکه "فضای باز سیاسی"  
حکومت شریف امامی و بالاخره خروج شاه از ایران و مضحکه حکومت بختیار.  
ولی مردم هوشیار ما فریب نخوردند و این رنگ عوض کردنها را به مسخره  
گرفتند و تا زمانی که ریشه های حکومت سیاه را خشکانیدند، از پای ننشستند.  
اینست منطق انقلاب:

به ظواهر دل خوش نکردن، به فرمهای سطحی و کسب چند امتیاز کوچک و گذرا  
قانع نشدن و همواره به عمیق ترین دگرگونیها پرداختن و تا پیروزی قطعی  
انقلاب و برچیدن کامل بساط حکومتهای ضد انقلابی و استقرار حاکمیت  
انقلابی و دموکراتیک تودهها از پای ننشستن!

ولی رویونیستها، اپورتونیستها و تمامی آنانی که آگاهانهایا  
ناآگاهانهایا کمر به خدمت ارتجاع بسته اند، منطق انقلاب را نمیشناسند و  
یانی خواهند بشناسند. بهمین دلیل هرمانور شبه انقلابی و فرمیستی  
بورژوازی و ارتجاع برای آنان "باران رحمت الهی" است که قادرست،

ترکهای دیوارگلی و مخروبه بنای مردم فریبی آنها را همبیاورد. با هر فرم، با هر عقب نشینی تاکتیکی بورژوازی، که هدفی جز درهم شکستن جنبش انقلابی توده ها ندارد، رویزیونیستها و اپورتونیستها، شادمانه فریاد بر می آورند: دیدید که این آقایان انقلابی هستند! و بیشرمانه توده ها را دعوت میکنند همراه با آنها به صفوف بورژوازی بپیوندند و یوغ استثمای و بردگی را گردن نهند.

رویزیونیستها، بدترین دشمنان خلقاند، زیرا همگام با ارتجاع و طبقات استثمای و رگر حاکم، بر علیه رهائی توده ها از قید بندگی میکوشند و از آنجا که این عمل خود را در زیر نقابی فریبنده انجام میدهند و بالفاظی هائی بظواهر سوسیالیستی، ماهیت واقعی خود را از انظار توده ها پنهان میدارند، چه بسا مردمی که به دام آنها گرفتار می آیند و با دست خود بر علیه انقلابی که بر آرزوهای آنها تحقق خواهد بخشید، به مبارزه بر می خیزند.

بدترین رویزیونیستها، آنهائی هستند که نظیر حزب توده رویزیونیست و خائن کنونی، به همتهای خارجیشان سرسپرده اند و منافع توده ها را به پای اربابان خارجی خود قربانی میکنند. بررسی عمل کرد حزب توده کنونی و نتایجی که از این راه عاید این حزب رویزیونیستی (که به مثابه ستون پنجم سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران عمل میکند) شده است، بسیار آموزنده میباشد. وجه تاثر انگیز است عاقبت حزبی با گذشته پرافتخار، که با در غلطیدن به منجلا ب رویزیونیستی، به چنان روزی افتاده است که سربه سنگ میکوبد، کف بردها ن می آورد و در مقابل منطق انقلاب، کاری جز دشنام و ناسزا، لجن پراکنی و جعل و تحریف بر علیه نیروهای واقعی انقلاب از دستش بر نمی آید؛ در مقابل منطق انقلاب، مذبوه ها نه میکوشد با نفرین و خیانت به مقابله پردا زدولی عاجزانه می بیند که چرخ انقلاب را نمیتوان از گردش بازنگاهداشت.

در چند روز گذشته با کشف توطئه جاسوسی حزب توده، در درون سازمان دانشجویان پیشگام (سازمان وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق) نقش مخرب و واقعیت خطرناک حزب توده، یکبار دیگر در مقابل توده ها آشکار گردید. حزب توده در درون این سازمان چه چیزی را جستجو میکرد؟ آنطور که اعلامیه های دانشجویان پیشگام حکایت میکند، جاسوسان حزب

توده، لیستی از فعالین سیاسی این سازمان همراه با تمایلات دقیق آنها تهیه کرده بودند. این لیست به چه کار میتوانست بیاید؟ جواب آنرا به قضاوت خواننده واگذار میکنیم. فقط بخاطر بیاوریم که این حزب رویزیونیست همان حزبی است که در کمال وقاحت و بی شرمی، فردمبارزی چون ستوان قبادی را (که روزی همین رهبران کنونی حزب توده را از جنگ جلادان شاه رها نید) به جرم "مائوئیست" بودن و پس از آنکه دهها اتهام واهی و ننگین دیگر به او وارد کردند، به دژ خیمان شاه سپردند. در واقع تنها جرم ستوان قبادی این بود که پوسیدن در منجلاب رویزیونیستهای خروشچفی را شجاعانه طرد میکرد و مصرا نه خواستار بازگشت به ایران و پیوستن به مبارزات مردمی بود که او را پروردند و یا در این فرزند دلیر و قهرمان خود را همواره زنده خواهند داشت، فراموش نکنیم آن ضربه‌های راهم که از طرف حزب توده و رهبر سا زمانهاش در ایزان یعنی عباس شهریاری به سازمان چریکهای فدائی خلق وارد آمد.

مدتها پیش بود که ما از روی علایم و نشانه‌هایی که در سیاستهای سازمان چریکهای فدائی خلق وجود داشت، به رخنه‌های حزب توده در این سازمان یقین کرده و به اعضا آن هشدار داده بودیم. حال؛ آفتاب آمد دلیل آفتاب! معلوم نیست چند عا مل دیگر حزب توده و در چه سطوحی از سازمان چریکهای فدائی خلق به فعالیتهای ضد انقلابی اشتغال دارند! فعالیت حزب توده از درون و برون سازمان چریکهای فدائی خلق، عمدتاً در دو جهت سیر میکنند؛ از طرفی در جهت دامن زدن به تشتت ایدئولوژیکی حاکم بر آن و جا انداختن تئوری رویزیونیستی و پوسیده "گذار سلامت آمیز" و همکاری طبقاتی و از طرف دیگر در جهت کشاندن هواداران این سازمان (بخصوص دانشجویان پیشگام) در منجلاب حملات فاشیستی بر علیه نیروهای واقعا انقلابی. نمونه این جهت فعالیت حزب توده را میتوان در همکاری دانشجویان پیشگام دانشکده پلی تکنیک و دانشکده فنی بوضوح مشاهده نمود که از راههای تحریکات فاشیستی نظیر بستن در دانشکده و یا مانورهای بوروکراتیک نظیر قائل شدن معیارهای "من در آوردی" برای کسانی که میخواهند یک گردهم آئی در دانشکده ترتیب بدهند... مانع از برقراری گردهم آئی نیروهای واقعا انقلابی میشوند. چه عبرت انگیز است سرنوشت

های شاهانه که بمناسبت فجایی نظیر ۲۱ آذر ترتیب داده میشد، بانما-  
یندگی افرادی نظیر بزرگ علوی (در آن زمان عضو کمیته مرکزی حزب توده)  
شرکت میکردند؛ همین آقایان، دردورانی که روابط ایران با شوروی  
تیره میشد، بر علیه هیئت حاکمه داد و قال و جار و جنجال راه می انداختند و  
به اصطلاح "ضد" رژیم میشدند. در همین رابطه است که حزب توده، زمانی  
نمایندگانی برای جلب همکاری بختیار، رئیس سازمان امنیت شاه، به  
عراق فرستاده بود و وقتی موضوع برملا شد، برای حفظ ظاهر، همه گناهان  
را به گردن دبیر اول آن وقت خود (زادمنش) انداخته، اورا ساقط کردند  
و بجایش دیگری را نشانیدند.

حزب توده که زمانی با بختیار، جلاد صدها فرزند دلیر و کمونیست خلق  
ایران همکاری میکرد تا شاه را وادار به بهبود روابطش با شوروی کند،  
امروز و قیاحانه با خاطره شهدائی چون سیامکها، و کیلیها و روزبهها که  
بدست همان جلاد به شهادت رسیدند، به سوداگری میپردازد و میکوشد بدین-  
وسیله تودهها را تحمیق کند. رویزیونیستهای حزب توده، امروزه-  
آرمان شهیدانی را که فریب ریاکاری کیا نوریها و اسکندریها را خوردند و  
در درون صفوف حزب این سرسپردگان به شهادت رسیدند، پایمال میکند.  
آیا میتوان فراموش کرد که آنها مردم را دعوت به رای دادن به خلخالسی  
جلاد، یعنی همان کسی کرده است که دستش به خون لا اقل دوشهید توده ای در  
کردستان آلوده میباید؟ این یک نمونه دردآور دیگری است از خیانتهای

---

✘ بوجود آمدن گروه نوید در ایران و فعالیت "زیرزمینی" آن بسیار  
جالب است. حزب توده هنوز هم یک روز در میان چند ساواکی در درون  
تشکیلات خود "کشف" میکند و مجبور میشود به وجود آن در صفوف خود اقرار  
کند. این سؤال پیش میآید:

اگر فعالیت گروه "نوید" در ایران با اجازه شاه نبود، چطور شد که  
سازمان امنیت که تا عمق تشکیلات حزب توده در ایران ریشه دوانده  
بود، کسی را از گروه نوید دستگیر نکرد و مانع فعالیت گروه و نشر  
روزنامه آن نشد؟

چرا گروه نوید به سرنوشت "سندیکای تهران" دچار نشد؟ ۶

بیشمارکمیته مرکزی رویزیونیست حزب توده!

سرسپردگی حزب توده کنونی به سوسیال امپریالیسم شوروی و دنباله روی بی چون و چرای این حزب از سیاستهای این دولت امپریالیستی نوین، بر کسی پوشیده نیست. امپریالیستها که بر سر تقسیم ثروت های جهان با یکدیگر در تضادند، در عوض برای مقابله با جنبش های انقلابی و آزادی بخش خلقها کاملاً با یکدیگر توافق دارند. هر جا که خلقها متحد و یکپارچه برای برانداختن یوغ هر نوع استعمار و طرد هر نوع وابستگی بپامی خیزند، امپریالیستها با یکدیگر متحد شده و در مقابل صفوف مصمم خلقها، جبهه متحد استعمارگران خود را قرار میدهند. امپریالیستها از تمام امکانات خود برای تخریب در مبارزات خلقها استفاده میکنند. همچنانکه امپریالیست های آمریکائی و اروپائی برای اجرای سیاستهای خود همواره از حمایت بخش مهمی از بورژوازی و سایر طبقات ارتجاعی برخوردارند، سوسیال امپریالیستهای شوروی نیز ستون پنجمی چون حزب توده در اختیار دارند که وسیله مهمی برای تخریب مبارزات توده های خلقهای ایران است. سیاستهای که توسط حزب توده در یکسال اخیر اتخاذ شده است، کاملاً فاشگرما هیت پلید خائنین کمیته مرکزی رویزیونیست آن است.

در سال گذشته، وقتی موافقت آمریکا با "رفتن شاه" مسجل شد و ژنرال هویزر برای تهیه مقدمات آن به ایران آمد؛ و پس از آنکه کیا نوری "مذاکرات پاریس" خود را به پایان رسانید، حزب توده ناگهان شعار مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی را میدهد. البته فراموش نباید کرد که جرقه های جنبش مسلحانه توده ای، در آن دوران، در گوشه و کنار ایران بچشم میخورد.

پس از قیام مهبمن ماه و سرنگونی بساط سلطنت، نقش حزب توده همواره نقش مخرب و ترمزکننده جنبش انقلابی توده ها بود. این نقش در واقع همان نقش همکاری با قدرت حاکمه و در یوزگی الطاف بورژوازی نسبت به سوسیال امپریالیسم شوروی است. گله گذاریهای حزب توده از قطع صدورگاز و کوشش های او برای جلب همکاریهای بیشتر بین هیئت حاکمه و سوسیال امپریالیست های شوروی، از راه ترتیب دادن ملاقاتهای بین المللی (نظیر مسافرت بعضی از رهبران فلسطینی و همچنین اندرزهای رهبران لیبی) و اندرزهای عاجزانه در روزنامه مردم و همراه با همه اینها فعالیت شدید تبلیغاتی

تمامی سازمانهای سیاسی وابسته به شوروی در سطح جهانی و... همگی در خدمت همان نقش است که حزب توده برای جلب همکاریهای هیئت حاکمه کنونی بسوی سوسیالیسم برپای لیستهای شوروی بر عهده گرفته است.

ولی فعالیتها و حزب توده البته به همینها محدود نمیشود. خائن این حزب رویزیونیستی میکوشند با رخنه و تخریب در جنبش انقلابی توده های خلق ایران به هیئت حاکمه بفهماند که برای جلوگیری از ادامه انقلاب و تحکیم سلطه خویش، از همکاریهای موثر حزب توده نمیتوانند صرف نظر کنند. لجن-پراکنیها و افتراها و اتهامات واهی حزب توده علیه نیروهای واقعی انقلاب ایران یكروی این سکه و خرابکاری عملی در جنبش انقلابی خلقهای ایران که بر علیه توطئه های ارتجاعی قهرمانان نه پیا خاسته اند، روی دیگر این سکه است.

حزب توده میکوشد به ارتجاع بفهماند که در کار پلید زمینه سازی برای سرکوب نیروهای انقلاب بسیار مهارت دارد. از چند هفته پیش بخصوص، ارگانهای این حزب پراست از افتراها و داستان پردازیها بر علیه همه نیروهای انقلابی و بخصوص علیه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، این ستاد واقعی پرولتاریای میهن ما. حزب توده داستان سرائی میکند: یکی بود، یکی نبود؛ روزی، "فردی مسلح در لباس سدا را انقلاب، ...، به خانه ای ... مراجعه میکنند و... مخفیانه علامیهای را که متعلق به گروهک مائوئیستی "حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران" بود پخش کردند..." (مردم، سه شنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۸، صفحه ۲، مقاله آنتی-کمونیسم...).

البته از این نوع داستان سرائیها، نظیر داستان آن "کروالی که طرفدار حزب توده و شوروی بوده و نفرت خود را از چین و ماژور دفتر مرکزی حزب توده، با ادا و حرکت دست بیان میکرد"، کسی را نمیتواند بفریبد. اینها علاوه بر جنبه شوخی و خنده آور که به ارگان مرکزی حزب توده کمی جنبه فکاهی میدهد، یادآور همان داستان سرائیها نیست که ساواک علیه نیروهای پاکبخت انقلاب ایران مینمود و همه از آن خاطرات تلخی داریم. ولی هدف حزب توده از این نوع داستان سرائی اینست که سربراهی خود را اثبات کند و بفهماند که هیچگاه مخالفتی با هیچیک از اعمال ضد خلقی هیئت حاکمه نظیر فرارند فرمایشی برای تصویب یک "قانون اساسی" نخواهد داشت و



علاوه بر این حاضر است از راه آنها مژنی و دروغ‌پراکنی زمینه را برای سرکوب نیروهای راستین انقلاب ایران فراهم سازد.

مخالفت با اعمال ضد خلقی هیئت حاکمه را حزب توده به "مائوئیست"‌ها نسبت می‌دهد، چرا؟ حزب توده اصل لزوم اعمال قهر انقلابی برای مقابله با قهرضد انقلابی بورژوازی و ارتجاع و همچنین برای پیروزی نهائی انقلاب دموکراتیک توده‌ای را نیز به "مائوئیست‌ها" نسبت می‌دهد! چرا؟ زیرا، حزب توده به نقاب مائوئیسم برای تحمیل توده‌ها بمنظور استفاده از آنها بعنوان سیاه‌پوشی لشکروپشتوانه سوداگریهای خیانتکارانه خویش احتیاج دارد. ولی چون بورژوازی از جوهر انقلابی مائوئیسم که قهر انقلابی را برای مقابله با قهرضد انقلاب تجویز میکند وحشت دارد، این حزب رویزیونیستی میکوشد "مائوئیسم" خود را از این محتوای انقلابی تهی کرده و برای هیئت حاکمه قابل قبول گرداند. البته، حزب توده میکوشد توده‌ها را نیز از فکر توسل به قهر انقلابی برای مقابله با ضد انقلاب بیرون بیاورد، زیرا خودش هم‌بمثابه ضد انقلاب از قهر انقلابی توده‌ها وحشت دارد. بهمین دلیل است که حزب توده، بلطائف الحیل میکوشد مقوله قهر را به یک دکترین دیگر (مثلاً مائوئیسم) منتسب سازد. همه داستان‌پردازی‌های حزب توده در روز-نامه مردم نیز برای همین منظور است. او میخواهد بگوید که قهر و مقاومت مسلحانه فقط به مائوئیسم "منفور" تعلق دارد و گرنه "مائوئیست‌ها"ئی که حزب توده مظهر آنهاست، همان گربه معمولی که با هستند که کاری جز همکاری طبقاتی و سجده بردن به بورژوازی و ارتجاع نمیدانند! زهی-بیشرمی، زه‌ریا کاری!

آقایان رویزیونیست‌های حزب توده! مائوئیسم که یک ایدئولوژی اپورتونیستی است، دیرگامی است که مقوله لزوم اعمال قهر انقلابی را به-کناری نهاده است. امروز مائوئیسم در انطباق کامل با رویزیونیسم-خروشچیفی است که پایه‌های تئوری حزب شما را تشکیل میدهد. بهمین جهت است که ما معتقدیم حزب توده حزبی است که مائوئیستی است. اینرا خود شما هم میدانید ولی به دلائلی که در سطور فوق ذکر کردیم، مزورانه میکوشید-مائوئیسم را لوث کنید و خود را به آن بچسبانید. ولی ما بشما قول میدهیم که ما هیت واقعی شما را همه جا افشاء خواهیم نمود و توده‌های خلق قهرمان ایران را که هر روز بیشتر به مائوئیسم روی می‌آورند، از دامی که برایشان

گسترده‌اید، رها خواهید ساخت. (برای بررسی ما ثوئیست بودن حزب توده، به مقاله "ما ثوئیسم حزب توده" در شماره ۴۵ توفان، ارگان مرکزی حزب کمونیست کا رگران و دهقانان ایران، رجوع شود).

حزب توده وقاحت را تا بدانجا میکشاند که میکوشد غیرمستقیم حزب ما را به همکاری با سیاهترین نیروهای امپریالیستی نظیر پالیزبان متهم سازد و در کمال بیشرمی و خیانت میخواستند چنین شایع کنند که حزب ما با ضداقلاب همکاری میکند و این هم بخشی از همان زمینه‌سازی برای سرکوب نیروهای انقلاب است. در همان شماره مردم، در مقاله "برای پیروزی مذاکرات..." میخوانیم:

"جوانمردها گروه مسلح تشکیل میدهند و با همدستی ضداقلابیون "توفان" و تحت نام عوامفربان "نیروی آزادی" ملقب به "بازوی مسلح توفان" به خرابکاری میپردازند..."

این نیز یکی از آن افتراهای بنیشرمانه حزب توده است! این خائنین برای سرپوش گذاردن بر خیانت خود به خلق کرد میکوشند که سدها غتراز آش هیئت حاکمه ارتجاعی باشند و بهمین دلیل وقیحانه به نیروهای دیگر تهمت میزنند. ما اعلام میداریم که و لاهیچ ارتباطی با این به اصطلاح "بازوی مسلح توفان" و ثانیاً هیچگونه اطلاعی از وجود چنین تشکیلاتی نداریم! از وجود چنین "سازمانی" نیز برای اولین بار توسط همین مقاله روزی نامه "مردم" مطلع شدیم.

ولی چه کسی در کردستان با پالیزبان همکاری میکند؟ ما یا حزب توده که سابقه همکاری با جاسوسانی نظیر بختیار جلاد در تاریخچه ننگین دوره رویز-یونیستی زندگی آن ثبت است؟ پالیزبان نوکرا آمریکا است. نوکر همان امپریالیستی است که ساواک را در ایران بوجود آورد. همان سازمان جهنمی که در تاروپود حزب توده نفوذ دارد و رویزیونیستها روزی نیست که چندتن از اعضای آن را در درون تشکیلات خود "کشف" نکنند. حزب توده آنجا که بخدمت یکی از این ساواکیها نیاز مبرم دارد، ادعا میکند که او را خودش "مامور" "کار" در ساواک کرده است! ما از کمیته مرکزی این حزب میپرسیم: خوب آقایان شما که همواره در راه این حزب بودید مسلمانان کسانیکه به آنها "ماموریت" ساواکی شدن داده بودید میدانید چرا تمامی این نامها را یکجا چاپ نمیکنید تا همگان بدانند و آن پس ساواکیها بی

که کشف میشوند کا ملامشخص با شنده که ما مورسا واک در حزب توده بوده اند نه  
بالعکس!

سازمانی که تا مغز استخوان آن تحت نفوذ ساواک (یا ما مورین پالیز-  
بان) باشد، آیا میتواند ادعا کند که در کردستان هیچ ارتباطی با پالیز-  
بان ندارد؟ آقایان چرا آنها می‌را که بخودتان می‌چسبید به دیگران می‌زنید؟  
اگر واقعاً گروهی بنام "بازوی مسلح توفان" در کردستان وجود داشته  
باشد که با پالیزبان نیز همکاری میکند و فقط حزب توده از وجود آن مطلع  
است، شک نباید داشت که این گروه ساخته و پرداخته همین خائنین بوده و  
ما مورین ارتباطی آنهمه‌مان ساواکی‌های این حزب خائنین که تا ریشه در آن  
نفوذ دارند. نباید فراموش کرد که از دیگرگانه تحریکاتی نظیر "سازمان  
سازی" برای رویزیونیستهای حزب توده سنت شده است؛ فعالیت‌های ایادی  
این خائنین در خارج کشور بر کسی پوشیده نیست. اینان از همان روش-  
هایی استفاده میکنند که ساواک برای بدام افکندن انقلابیون و با برپا-  
داشتن سازمان‌های نظیر "سازمان ساواکی بخش" سیروس‌نها و ندی بکار  
می‌برند. "گروه منشعب از چریک‌های فدائیان خلق" یکی از همان "سازمان‌های  
توده‌ای بخش" رویزیونیستهای حزب توده است.

ولی ما در عین حال شرکت مسلحانه در مبارزات خلق قهرمان کرد را برای  
مقابله با قهرضد انقلابی ارتجاع، یک وظیفه خود میدانیم و از گفتن آنهم  
وحشتی نداریم. اعضای ما موظفند همه‌جا با ما حزب کمونیست کارگران و  
دهقانان ایران در مبارزات توده‌ها شرکت کنند و در راه پیروزی آرمان‌های  
والای خلق، از نثار خون خود و تحمل زندان و شکنجه دریغ نورزند. در کنار  
خلق جنگیدن یک وظیفه کمونیست‌هاست و در راه تحقق آرمان توده‌ها فداکار  
ری‌کردن، یک افتخار است. کمونیست‌ها وظیفه دارند در کنار توده‌ها باشند  
و صادقانه در مبارزات آنها شرکت کنند، آنها را از درافتادن بدامنیرنگ  
های ضد انقلابیون رنگ و وارنگ بر حذر دارند، اپورتونیست‌ها و رویزیونیست-  
ها و همه آنها را که با ما سک ما رکسیسم مردم‌فریبی میکنند افشاء کنند و  
پرچم کمونیسم را که تنها راه نجات بشریت از چنگال استثماریست، با  
تما مخلصان، با تما مبرزگی آن، در سراسر جهان، شجاعانه برافرازند.

حزب توده که جوهر انقلابی ما رکسیسم را، خائنانه به ما ئوئیسم نسبت  
میدهد و در راه خیانت تا آنجا پیش میرود که ما رکسیسم و مذهب را هم طراز

قرار میدهد، بدین ترتیب اثبات میکند که کمونیست نیست و روباه مکار و ذلیلی است که در کردستان نیز بنا بر ماهیت خود کاری جز خیانت از دستش بر نمیآمده است. آقایان کمیته مرکزی خائن حزب توده، ما از شما می‌پرسیم، آیا این ایادی شما نبودند که سلاح‌هایی را که در کردستان به "پاراشوت" معروفند، پس مانده‌های جنگ دوم بین‌المللی هستند و مهر کشورهای اروپای شرقی را دارند، به کردستان آوردند؟ چه کسانی از این سلاح‌ها استفاده میکنند؟ شیخ عزالدین حسینی، با روشن بینی این سلاح‌ها را تحریم کرده است و هیچ‌یک از نیروهای که با او همکاری دارند، از جمله کومله و ما، از این سلاح‌ها استفاده نمیکنند که هیچ، بلکه لزوم تحریم آنرا همه جا به توده‌ها توضیح میدهند. آیا جز شما کس دیگری در کردستان باقی میماند که امکان پخش و استفاده از این سلاح‌ها را داشته باشد؟

ما همواره در کنار توده‌ها بودیم و با زهم در کنار توده‌ها خواهیم بود. ما در گذشته نیز از فداکاری دریغ نکردیم و بسیاری از رفقای ما یاد در رابطه با چریک‌های فدائی خلق متحمل زندان و شکنجه شده یا به شهادت رسیدند و یا در مبارزه رویا روی با ضدا انقلاب محمد رضا شاه و در پیشاپیش نیروهای انقلاب به شهادت رسیدند. ما هیچگاه از خاطر این رفقا وسیله‌ای برای سوداگری نساختیم و هیچگاه نیز به چنین عمل شنیعی دست نخواهیم زد. ولی از جان گذشتگی رفقای چون جعفر نژاد، عرفانیان و اقتدار منش، که در راه پیروزی آرمان پرولتاریای ایران شهید شدند، الهام بخش همه رفقای ما است. حزب ما به فداکاری این رفقا افتخار میکند و تنها راه تجلیل و گرامی داشت این شهدا را نیز ادامه راه پر افتخار آنها میدانند. شرکت در مبارزات قهرمانانه توده‌های خلق‌های ایران که در نهایت برای پیروزی آرمان‌های والای شهدای ما، برای پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای این راهگشای سوسیالیسم و کمونیسم می‌رزمند، همان وظیفه مقدسی است که بر عهده یک حزب واقعاً کمونیستی است. ما مثل حزب توده نیستیم که سوداگرانه برای پیمان بستن با جلادان رفقای شهید خود، آرمان شهدا را گد مال کنیم، در مقابل بورژوازی و ارتجاع آستان بوسی کنیم، جبهه بر خاک بمالیم و دیورا فرشته بنا می‌م.

آقایان کمیته مرکزی خائن حزب توده! شما که اینچنین مزورانسه میکوشید به بورژوازی بفهمانید که این نیروهای انقلابی و بخصوص حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران هستند که طرفدار قهر انقلابی اند و خودتان را سعی میکنید حزبی "سربراه" جابزنید، میتوانید بگوئید پس در دستان چه میکردید؟ آیا میتوانید صریحا اقرار کنید تا همه بدانند بالاخره شما در کردستان میجنگیدید یا نه؟ اگر آری، در کنار چه کسانی و بر علیه چه کسانی میجنگیدید و اگر نه پس چه نقشی در کردستان بر عهده شما بود؟ ما میدانیم که شما قاعدتاً در به جواب گفتن نیستید پس بگذارید خودمان بگوئیم: حزب توده از همان اول برای خیانت به آرمانهای خلق فعالیت میکرد و از همان آغاز کوشید با استفاده از تمام مدسیسه‌ها، منجمله پخش اسلحه در جنبش مقاومت خلق کردن فوذن کند.

هدف از این نفوذ هم چیزی نبود جز ضربه زدن به این جنبش، در لحظه‌ای حساس و مناسب. این لحظه درست در زمانی پیش آمد که هیئت حاکمه در کردستان به شکست سختی دچار شده و بناچار تغییر سیاست داد و روش مذاکره را برای درهم شکستن مقاومت کردستان در پیش گرفت. فرارسیدن زمستان نیز این کار را برای ایشان اجتناب ناپذیر مینمود. حزب توده اولین جریان بود که به پای میز مذاکره رفت. اوپای میز مذاکره رفت تا نیروهای واقعی جنبش مقاومت را به مصالحه بکشاند و از این راه آنها را درهم بشکند. شرکت بلوریان و حسامی، از کاندزهای حزب توده، در جنگ کردستان که برایشان به پیک نیک بیشتر شبیه بود، فقط بخاطر رفتن به پای میز مذاکره بود. آنها بیشر می را به حدی رسانیدند که برای اعمال آتش بس در موقعیتی که برای جنبش مقاومت شکننده بود و در شرایطی که فقط میتوانست به نفع بورژوازی و ارتجاع باشد، نیروهای خود را بین پیشمرگه‌های کرد و پاسداران قرار دادند تا جنبش مقاومت را مجبور کنند از مبارزه باز ایستند. شرکت حزب توده در جنگهای کردستان فقط برای خیانت، فقط برای معامله بر سر آرمایان رها ئی بخش خلق کرد بود. آنها از اینکه نتوانستند بر سر میز چانه زدن با نمایندگان هیئت حاکمه بنشینند، چنان سرمست شدند که بناگاه همه چیز را فراموش کردند و خود را "نمایندگان واقعی" مردم چانه زدند. آنگاه برای آنکه عوام فریبی را تا انتها درجه گسترش دهند، ایادی خود را به برپا داشتن تظاهرات شادی و جشن و سرور فرستادند. این مضحکه

چنان فریبنده بود که حتی خودنمایندگان حزب توده که در ساختمان سرد  
مها با دشمنان "مذاکره" بودند و همچنین سردمداران هیئت حاکمه را  
فریفت. حکومت خمینی چنان به سرکوب کردن جنبش خلق کرد با دست حزب  
توده امیدوار شده بود که خمینی خودش برای کردستان پیام فرستاد. ولی  
حملات منتظری به جنبش انقلابی خلق کرد، پرده از نیات واقعی هیئت  
حاکمه برداشت و در عین حال توده‌های وسیع خلق کرد را ناگهان به  
ماهیت واقعی نیرنگهای حزب توده و خیانت آن واقف کرد. ده‌ها هزار  
نفر در مها با دبا فریاد مرگ بر حزب توده به خیابان آمدند و برای درهم  
ریختن دفتر این خائنین و ابراز نفرت و انفجار خود نسبت به آنان حرکت  
کردند. امروز دیگر در سراسر کردستان ماهیت واقعی این لاشه متعفن بر  
توده‌های مردم آشکار شده است. تا آنجا که در سنج مردم با شعار مرگ بر  
حزب توده، مانع سخنرانی غنی بلوریان میشدند و تا زمانی که او نیز با  
فریاد زدن همین شعار مرگ بر حزب توده با مردم همراهی نکرد، به او  
اجازه سخن گفتن ندادند.

حزب توده به نهایت میکوشد ما را اساساً حزبی آشوب طلب، جنگ -  
افروز و مخالف هر نوع صلح و یا مذاکره معرفی کند. تلاش مذبحانه ایست.  
ما کمونیست هستیم و همه میدانند که کمونیست‌ها نه تنها مخالف صلح نیستند،  
بلکه برای برقراری نهائی آن مبارزه میکنند. ولی ما، برخلاف حزب توده،  
خواهان آن نوع صلح که ارتجاع و سرمایه‌داران خون‌آشام را بر جان و مال و  
ناموس مردم حاکم گرداند، نیستیم. صلحی که مردم مستمیده را بزیرویغ  
چپا و لگران و جنایتکاران بکشاند، صلح عادلانه‌ای نیست. صلح بین  
محمد رضا شاه خائن و مردم مستمیده و غارتزده وطن ما، میبایست شکسته  
شود. بین مردم مستمیده و لی‌آزاده کردبا کسانی که نماینده عدالت‌شان  
در کردستان خلخال‌جلا است، نمیتواند صلح برقرار باشد.

ما مخالف مذاکره نیستیم، برعکس با آن‌ها ملامت‌افزیم. البته در  
شرایطی که خلق کرد را برای احقاق حقوق پایمال شده‌اش یاری رسانند.  
ما خواهان آن نوع مذاکراتی هستیم که در شرایط مناسب آنجا مگیرد و منجر  
به مجازات جنایتکاران شود که نظیر خلخال‌جلا، کشتار فرزندان غیور  
کرد را سازمان دادند، فاجعه قارنا را بوجود آوردند، نوجوانان دبیر -  
ستانی را به گلوله بستند، خانه‌ها ویران کردند، به زنان پاک کردستان

تجاوز کردند و... و بطور خلاصه در کردستان همان کاری را کردند که آمریکا در ویتنام انجام داد. ما خواهان مذاکراتی هستیم که در انطباق با قطعنامه هشت ماده‌ای سنندج و مها با دبا شد و به رفع ستم ز خلقها و احقاق حقوق پایمال شده‌شان بیا نجامد. ولی مذاکراتی که حزب توده ترتیب داد، هدفی نداشت جز در هم شکستن جنبش مقاومت کرد و استمرار ستم مضاعف ملی و طبقاتی مشتی؛ یعنی ادا مهرنجه‌ها و محرومیتها برای خلقی دلیـرو زحمتکش در اسارت مشتی چپا و لگرو مفتخور. نتیجه مذاکرات حزب توده را نیز دیدیم که چیزی نبود جز تقویت نیروهای ارتش و سپاه پاسداران که تحت رهبری افراد مشکوکی نظیر چمران در کردستان جنایت میکنند، ما این نوع "مذاکرات" را که هدف و نتیجه‌ای جز ضربه زدن به جنبش خلقهای تحت ستم ندارد، بشدت محکوم میکنیم.

سرنوشت حزب توده عبرت‌انگیز است؛ توده‌ها در نهایت فقط منطق انقلاب را می‌شناسند زیرا محرک واقعی مردم، جبر تاریخ است. عوام فریبان ممکن است چند روزی قادر به فریفتن مردم گردند ولی از آنجا که سودائی جز مقابله با انقلاب در سر ندارند، بالاخره روزی در زیر چرخهای گردونه تاریخ قرار خواهند گرفت. امروز توده‌های مردم ما، همه جا با شعار "مرگ بر حزب توده" با این عوامل شناخته شده سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران بی‌چون و چرای حکومت‌های ارتجاعی روبرو میشوند. در گنبدکاووس نیز مردم، گردهمائی حزب توده را با همین شعار در هم ریختند رسوائی آنقدر بزرگ بود که حتی روزی نامه مردم نیز در روز یکشنبه ۲۴ دیماه ۵۸، بدان اقرار کرد. نظیر همین پذیرائی در تبریز نشان را این خائنین گردید.

ولی حزب توده برای خیانت سنگ تمام گذاشته است. او می‌خواهد اثبات کند، بیدی نیست که به این بادها بلرزد، و برعکس در خیانت پافشاری میکند. هم‌اکنون ایادی آنها در کردستان خود را برای سود دادن عناصر انقلابی و تحویل دادن پیشمرگه‌های کرد به نیروهای ارتجاع آماده کرده‌اند. این آمادگی در روزنامه مردم (بتا ریخد و شنبه سوم دیماه ۵۸) چنین اعلام شده است:

"هواداران حزب توده ایران در کردستان، طبق سیاست حزب توده ایران آماده‌اند

تا برای برداشتن مشکلات از سر راه ،  
با تمام امکانات خود به این نیروها  
(منظور نیروهای دولتی است. توفل)  
مادقانه یاری دهند ."

برای آنکه روشنتر شود این آمادگی در خدمت چه هدفی قرار دارد ، ببینیم  
چه نقشی اینان برای خود قائل شده اند . حزب توده نقش " بسیار بزرگ " خود  
را در کردستان چنین تعریف میکند :

" اولاً - حل مسأله امت آمیز کردستان ...  
و گرفتن دست آویز از دست ضد  
انقلاب ... ثالثاً - مبارزه های قاطع  
و پیگیر در داخل کردستان علیه جریان  
ها و ایدئولوژیهای ضد انقلابی مائو-  
ئیستی ، تروتسکیستی و آنارشستی  
که بویژه در جریان جنگ برادر کشی  
چون قارچ بعد از باران روئیده اند  
و فضای سیاسی کردستان را مسموم  
ساخته اند . " (همانجا )

ما هیت نقش جدیدی که حزب توده برای خود پیشنهاد میکند ، از این  
عبارات کاملاً قابل درک است . کوشش حزب توده برای نفوذ در درون سا -  
زمانهای دانشجویان پیشگام ، در واقع از این نقش جدا نیست . ولی این  
عبارات در عین حال بیانگر چیز دیگری نیز میباشند و آن اینکه حنا ی حزب  
توده در نزد مردم دیگر رنگی ندارد و این خائنین از تمایل توده ها به نیرو -  
های انقلابی و طرد خویش بشدت در عذابند .

واقعیت اینست که طرد حزب توده بمثابه حزبی رویزیونیستی و در خدمت  
منافع سوسیالیست مپریالیسم شوروی ، دیرگامی است که در دستور روز قرار  
گرفته است . همزمان با اینکه ارتجاع دوست خود را میشناسد و به او اجازه  
فعالیت علنی و آزاد میدهد ، توده ها نیز دشمن خود را میشناسند و او را با  
تمام قوا از میان خود طرد میکنند . ولی طرد حزب توده توسط مردم ، معنی  
بسیار عمیقتری از فقط بخاک سپردن یک لاشه متعفن دارد . حزب توده تا  
کنون کاری جز حمایت از هیئت حاکمه انجام نداده است و در ظرف این



ده ماه با رها به اثبات رسانید که بسیا رخوش رقص نیز هست . طرد حزب توده توسط مردم ، در واقع دلیل دیگری است بر اینکه جنبش انقلابی مردم ما همچنان روبه اعتلاست و اینبار جهت جنبش مستقیما بر علیه هیئت حاکمه و تمامی اعوان و انصار آن متوجه میباید شد که حزب توده نیز یکی از آنها است . وجود همین جنبش انقلابی است که طی مدتی که از قیام مهمن ماه میگذرد ارتجاع را در اجرای برنامه های ضد انقلابییش دچار شکست کرده است . ناگامی ارتجاع در اجرای نقشه شوم درهم شکستن نیروهای انقلابی و از بین بردن کامل آزادی بیان ، عقیده ، شکست مفتضح در کردستان ، شکست برنامه درهم شکستن جنبش کارگران و دهقانان ، شکست برنامه های ضد خلقی ارتجاع در ترکمن صحرا ، آذربایجان ، فارس ، سیستان بلوچستان ، خیزش انقلابی توده ها در آنزلی ، محمودآباد و بسیاری از شهرهای گیلان و مازندران و ... همه حاکی از آنچه گرفته توفانی است که زورق شکسته ارتجاع را به انهدا مکامل تهدید میکند . کمونیستها وظیفه دارند با تمام مقابله و دست در دست توده ها در رهبری صحیح این جنبش جهت استقرار جمهوری دموکراتیک توده ای در ایران بکوشند . حزب توده که جنبش انقلابی توده های خلق ایران را به سرخه گرفته و برای مقابله با آن با تمام مقابله دریوزگی ضد انقلاب رفته است بی شک سزوشتی جز بانه دانی تا ریخ کوه ماء وای نهائی همه مرتجعین است . نخواهد داشت .

ولی شاید جای تعجب باشد که هیئت حاکمه به حزب توده اجازه فعالیت علنی و گسترده میدهد . ما مسلم میدانیم که هیئت حاکمه از ماهیت واقعی حزب توده بمانا به ستون پنجم سوسیال مپریالیسم شوروی بخوبی مطلع است . فعالیت های همپالگی های افغانی حزب توده که نتیجه ای جز گسترش نفوذ شوروی در افغانستان نداشت ، نیز بر کسی پوشیده نیست . همه میدانند که رویزیونیست های افغان چگونه با استفاده از یک فرصت مناسب و با یک کودتا قدرت دولتی را در این کشور تصاحب کردند و عواقب تاثر بار این کودتا نیز هم اکنون پیش روی ماست .

سوسیال مپریالیسم شوروی در افغانستان همان کاری را میکند که آمریکا در کشورهای تحت سلطه خود انجام میدهد . کودتا های پیاپی و در پی هر کودتا ، کشتارهای وحشیانه نشان میدهد که سوسیال مپریالیسم شوروی در خونخواری دست کمی از همپالگی های آمریکائی و اروپائی خود ندارد .

آنها نه تنها توده‌های وسیع مردم را در افغانستان وحشیانه کشتار میکنند، بلکه با قساوت تمام زکشتار "رفقای" خودشان هم‌حیا ندارند. اینجاست  
دو سؤال پیش می‌آید:

اول اینکه آیا با اینهمه میتوان در امپریالیست بودن شوروی شکی داشت؟  
دوم اینکه آیا در این صورت میتوان در ریاکاری و درندگی حزب توده که  
قیافه "گربه ملوس" بخود میگیرد تردید نمود و با این خائنین کج‌دا رومریز  
رفتار کرد و یا در لزوم بخاک سپردن هر چه سریعتر این لاشه متعفن لحظه‌ای  
تردید کرد و آنطور که در نزد سا زمان چریکهای فدائی خلق دیده میشود، تزلزل  
نشان داد؟

باقی میماند جواب گفتن به این معما:

چرا با اینهمه حزب توده با آزادی کامل در ایران فعالیت میکند و هیئت  
حاکمه نیز هیچگونه مانعیتی از فعالیت این ضد انقلابیون شناخته شده و دیر-  
پا نمی‌نماید؟

چرا برعکس دست در دست این خائنین به سرکوب نیروهای واقعا انقلابی و  
ملی می‌پردازد؟ جواب بسیار ساده است: وضع هیئت حاکمه آنقدر خراب  
است که برای نگاهداشتن خود بر سر قدرت از "کمک" های افعی‌های خطر-  
ناکی چون حزب توده نمیتواند بگذرد. امروز، هر نیروی دیگری، هر  
چقدر کوچک و ناچیز باشد، بشرطی که مانع حزب توده، سازمان انقلابی یا  
حزب کارگران سوسیالیست (تروتسکیست) در مقابل جنبش انقلابی توده-  
ها قرار گرفته و در مقابل هیئت حاکمه خوش رقصی کند، برای فعالیت کاملاً  
آزاد است.

رفقا و دوستان انقلابی:

هشیارباشیم. ضدانقلاب از درون و بیرون مرزهای وطن ما در  
کمین است. آمریکای جنایتکار در مرزهای جنوبی کشور نیرو متمرکز  
کرده است و از طرف دیگر در درون هیئت حاکمه نیز نفوذ دارد و از هر سو علیه  
انقلاب ما توطئه میکند. اگر این دزدان بین‌المللی تا کنون تجا و زعلنی  
خود را بر خاک وطن ما شروع نکرده‌اند، اگر برای روی کار آوردن یک گروه  
یکدست و هم‌نواخت، و پایان دادن به تضادهای شدید داخل هیئت حاکمه که  
منافع همه امپریالیست‌ها را به خطر انداخته است تا کنون یک کودتای  
آمریکائی در ایران صورت نگرفته علتش فقط وجود جنبش نیرومندان انقلابی

است که هر توطئه‌گری را در اجرای نقشه‌های پلید خود مایوس می‌کند. حزب توده میکوشد از این آب گل آلود برای خود مایه بگیرد. او با نزدیک شدن به هیئت حاکمه سعی دارد ابتدا جای پای خود را محکم کند و آنگاه... خطر یک کودتای روسی را نیز نباید در آینده‌ای نه چندان دور نادیده انگاشت. فعالیت‌های حزب توده در ارتش ایران، بکمک چهره‌های شناخته شده و قدیمی سازمان افسران بیهوده نیست.

بهوش باشیم و برای مقابله با هر توطئه‌ای، برای نجات میهن از جنگال امپریالیستها، خود را آماده کنیم. تشتت و پراکندگی در درون - جنبش انقلابی خلق ما، جای فعالیت‌های مخرب ضد انقلابیونی نظیر حزب توده را بازمیگذارد.

به خلق تکیه کنیم، توده‌ها را بسیج کنیم و سازمان بدهیم تا قادر باشیم مدسیسه‌های همه‌خائنین را ناکا می‌گذاریم و هر تاج و زگر احتمالی را با کمال قدرت سر جای خود بنشانیم و ایران را گورستان متجاوزین نمائیم خائنین را افشاء و طرد کنیم و آماده باشیم تا با الهام از خلق قهرمان بولیوی، هر کودتاگری را بهمراهی قیام متحد خلق، فوراً سر جای خود بنشانیم.

رفقا!

با تمام قوا بکوشیم، توده‌ها را بسیج کنیم و سازمان بدهیم تا تحت رهبری طبقه کارگر و حزب پیش‌تازان، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، برای برپا داشتن ایرانی آزاد، دموکراتیک و شکوفان متحدان، با تمام نیرو به پیش‌گان مبردا ریم.

مرگ بر حزب رویزیونیست و خائن توده و همه ضد انقلابیون!

زنده باد اتحاد انقلابی همه نیروهای خلق!

پیروز باد جمهوری دموکراتیک توده‌ای ایران!